

## بررسی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و عوامل بزهکاری آنان در نظام حقوقی و اجتماعی افغانستان

نرگس حسینی<sup>۱</sup>، طاهره مؤذن سلطان آبادی<sup>۲</sup>

### چکیده

اطفال و نوجوانان بخش مهمی از جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین، شناخت مسائل حقوقی و کیفری مربوط به آنها در ایجاد یک جامعه متعالی و موفق نقش بسزایی دارد. در این مسیر گام نخست، تعیین سن قانونی برای مشخص شدن محدوده اطلاق طفل و نوجوان بر افراد و ایجاد یا عدم ایجاد مسئولیت کیفری است. بررسی ریشه‌ای علل و عوامل بزهکاری برای پیشگیری از وقوع بزه در میان این گروه سنی حساس، برای رسیدن به جامعه ایده‌آل شرطی ضروری است. پژوهش حاضر باروش توصیفی-تحلیلی، ابتدا مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و تعیین محدوده سنی این گروه را براساس قوانین کشور افغانستان و سپس علل و عوامل ایجاد بزهکاری در میان آنها را بررسی می‌کند. براساس قوانین حقوقی افغانستان به کودکان زیر دوازده سال، طفل می‌گویند. در این محدوده سنی مسئولیت کیفری متوجه آنها نمی‌شود. از سن دوازده تا هجده سالگی دوران نوجوانی محسوب می‌شود که در صورت ارتکاب جرم، مجازات به صورت خفیف‌تر اعمال می‌شود. عوامل مؤثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظام اجتماعی افغانستان مواردی مانند عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، روانی و وراثت و... را شامل می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مسئولیت کیفری، طفل، نوجوان، بزهکاری.

۱. دانش پژوه مقطع کارشناسی حقوق و معارف اسلامی از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و اصول حوزه علمیه خواهران، سطح ۳ فقه و اصول و کارشناسی ارشد رشته فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی، قم، ایران.

## ۱. مقدمه

کودکان و نوجوانان سرمایه‌های معنوی جامعه هستند و سلامت روح و جسم آنها در کودکی، ضامن سلامت آنها در آینده است. تربیت صحیح فرزندان در اسلام بسیار مهم و مورد توجه است و ائمه معصومین علیهم‌السلام در این مورد دستورات و راهنمایی‌های فراوانی دارند. اگر کودکی به انحراف مبتلا شود بازپروری وی مستلزم صرف هزینه‌های هنگفت و مضاعف خواهد بود. بنابراین، باید به مسائل مربوط به آنها توجه ویژه داشت. در نظام‌های حقوقی مختلف جهان برای حمایت از حقوق کودکان، محدوده سنی معینی برای تشخیص اطفال و نوجوانان مقرر شده است و مسئولیت کیفری آنها بر همان اساس تعریف می‌شود. مسئولیت کیفری، همان الزام قانونی به جبران آثار سوء ناشی از انجام جرم توسط مجرم یا بزهکار است. در نظام حقوقی افغانستان نیز این سن تعیین و قوانین مربوط به آن پیش‌بینی شده است. بزه به معنای انجام عملی برخلاف موازین، قوانین، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است. این اصطلاح برای مرتکبین رفتارهای ضداجتماعی و خلاف قانون که سن آنها کمتر از هجده سال است به کار می‌رود. (محمدی اصل، ۱۳۸۵، ص ۴۱) باتوجه به اهمیت موضوع در دهه‌های اخیر نیز تحقیقات بسیاری در این رابطه صورت گرفته است. اطفال و نوجوانان یکی از قشرهای آسیب‌پذیر در برابر جرایم هستند و بزهکاری در سنین نوجوانی احتمال بروز رفتار مجرمانه در بزرگسالی را افزایش می‌دهد. بدیهی است که شناخت علل و عوامل بزهکاری در آنها پیشگیری از وقوع بزه یا کمک به رفع این آسیب اجتماعی را به دنبال دارد. باتوجه به نظام اجتماعی افغانستان این عوامل را می‌توان ذیل عوامل اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و روانی بررسی کرد.

## ۲. مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در نظام حقوقی افغانستان

مسئولیت کیفری عبارت است از: پاسخ‌گویی شخص درقبال اعمالی که به صورت عرفی به او استناد داده می‌شود که ضمانت اجرای قانونی آن براساس نوع مسئولیت متفاوت است.



(گنجی، ۱۳۹۸) بنابر آموزه‌های حقوق جزا مجرد ارتکاب جرم برای ایجاد مسئولیت جزایی کافی نیست. به عبارت دیگر، تنها ارتکاب جرم، موجب تحقق مسئولیت کیفری نیست و وجود شرایط دیگری نیز لازم و ضروری است که در صورت فقدان یکی از آنها این مسئولیت متوجه شخص نمی‌شود. (صدر توحید خانه، ۲۰۰۹، ص ۱۸۶) براساس اصول حقوق جزا، شخصی مسئولیت کیفری کامل دارد که قدرت ادراک و اراده داشته باشد. چنان که قانون جزای افغانستان در ماده ۶۵ به این دو شرط اساسی که زیربنای تحقق مسئولیت کیفری است، اشاره می‌کند: «مسئولیت جزایی وقتی به وجود می‌آید که شخص با اراده، آزاد و درحالت صحت عقل و ادراک عمل، جرمی را مرتکب شود». بدیهی است کسی واجد وصف ادراک است که بالغ و عاقل باشد و اراده را کسی دارد که مجبور نباشد یا در تشخیص موضوع دچار اشتباه نشده باشد. بنابراین، باید گفت که یکی از شرایط تحقق مسئولیت کیفری رسیدن به سن قانونی است. قانون‌گذار افغانستان ارتکاب جرم ازسوی صغیر را ممکن می‌داند. ماده ۸۸ و ۹۶ کد جزای افغانستان به ارتکاب جرم ازسوی اطفال و نوجوانان اشاره دارد و مقرر داشته عملی که ایشان انجام می‌دهند جرم است، اما به دلیل صغر سن، فاقد مسئولیت کیفری هستند. همان‌طور که شارع نیز از احادیثی مانند حدیث رفع قلم، مسئولیت کیفری را از دوش این اشخاص برداشته است. از دیدگاه اسلام، بلوغ، عقل، علم، اراده، اختیار و هوشیاری مهمترین شروط تحقق مسئولیت کیفری هستند. ماده ۹۶ کد جزای افغانستان اطفال زیر دوازده سال را فاقد مسئولیت کیفری می‌داند و آنها را مجازات نمی‌کند، اما نوجوانی که ۱۲ سال را تکمیل کرده باشد در صورت ارتکاب جرم براساس حقوق جزای افغانستان، مسئولیت کیفری دارد (پوپل، ۱۳۹۹).

اکنون ممکن است این سؤال مطرح شود که حال که کودکان مسئولیت کیفری ندارند آیا باید در صورت ارتکاب جرم به حال خود رها شوند؟ در پاسخ می‌توان گفت که عدم مسئولیت جزایی اطفال به این معنی نیست که آنها رها بوده و مسئولیتی نسبت به جبران اعمال خود ندارند، بلکه ممکن است دادگاه باتوجه به جرم ارتكابی و اوضاع و احوال و شرایط کودک و

خانواده مسئولیت طفل را برعهده سرپرست او بگذارد و چنانچه لازم بداند این وظیفه را برعهده کانون اصلاح و تربیت اطفال قرار دهد. قانون‌گذار افغانستان در ماده ۱۰۹ کد جزا بیان می‌کند که هرگاه طفل مرتکب جنحه شود محکمه یکی از تدابیر احتیاطی را در برابر وی اتخاذ می‌کند: الف) تسلیم به والدین؛ ب) حجز (حصر) در منزل؛ ج) فرستادن به مؤسسه‌های خدمات اجتماعی؛ ح) حجز در بخش باز یا بسته و یا مرکز اصلاح و تربیت و... براساس بند ۵ ماده ۴ قانون تخلفات اطفال حجز عبارت است از: «تحدید آزادی طفل محکوم در مراکز اصلاح و تربیت اطفال». قانون حجز در صورت اجرای صحیح، قانونی سازنده و مترقی به نظر می‌رسد.

در نظام‌های کیفری معمول است که اطفال به اعدام محکوم نمی‌شوند. در افغانستان نیز براساس ماده ۹۹ کد جزا، اطفال به مجازات اعدام و جزای نقدی محکوم نمی‌شوند، اما حد سنی طفل در کشورهای مختلف متفاوت است. برای مثال در ژاپن ۲۰ سال، نیجریه ۱۷ سال و در سنگاپور ۱۶ سال است. (آبدالی، ۱۳۷۴) در کشور ایران نیز براساس آموزه‌های اسلامی، کودکی که به سن بلوغ نرسیده است طفل محسوب می‌شود و از سن بلوغ تا ۱۸ سال نوجوان به شمار می‌آید. نظام حقوقی برخی کشورها براساس قوه تمیز، میان اطفال تفاوت قائل شده است؛ یعنی اطفال ممیز، مسئولیت کیفری دارند و اطفال غیرممیز مسئولیت کیفری ندارند. باتوجه به تعیین سن ۱۲ سال در قوانین کشور افغانستان به نظر می‌رسد که این امر مورد توجه قانون‌گذاران این کشور نیز بوده و در سال ۱۳۸۳ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال تصویب شده است. در ماده ۴ این قانون طفل به شخصی می‌گویند که سن ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده است. در این قانون، اطفال به سه گروه سنی تقسیم می‌شوند: الف) طفل غیرممیز: کودکی که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده است؛ ب) طفل ممیز: از سن هفت سال تا دوازده سال کامل؛ ج) طفل نوجوان: از دوازده سال تا ۱۸ سال.

ماده پنجم قانون تخلفات اطفال مقرر کرده است شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب جرم مسئولیت جزایی به او راجع نمی‌شود. ماده ۹۷ این کد جزا

مقرر کرده است: «طفلی که ۱۲ سال را تکمیل و ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب جنایت به بیش از ربع حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ‌تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین شده است، محکوم نمی‌شود». ماده ۹۸ این قانون در مورد اطفال سن ۱۶-۱۸ مقرر کرده است: «طفلی که ۱۶ سال را تکمیل، اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب جنایت به بیش از ثلث حداکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ‌تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین شده است، محکوم نمی‌شود». هر کشور به تناسب وضعیت خاص اجتماعی خود و آداب و رسوم و قوانین ملی و مذهبی و عوامل دیگر این سن را تعیین می‌کند.

### ۳. عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان در نظام اجتماعی افغانستان

هر رفتاری که با قانون جامعه درگیر بوده و مجازاتی برای آن تعیین شده باشد بزهکاری نامیده می‌شود. کسی که مرتکب جنایت، جنحه یا خلاف می‌شود بزهکار یا مجرم است. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۶۱۸) در اصطلاح، بزهکار به شخصی می‌گویند که مرتکب قانون شکنی و رفتار ضد اجتماعی شده، ولی به سن قانونی نرسیده است. بنابراین، مانند یک مجرم بزرگسال مجازات نمی‌شود (محمدی اصل، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵). ایجاد بزهکاری در اطفال و نوجوانان معلول عواملی است که با بررسی و تحقیق می‌توان آنها را به این ترتیب بیان کرد:

#### ۱-۳. عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بزهکاری اطفال و نوجوانان

بزهکاری اطفال و نوجوانان گاهی ناشی از عوامل اجتماعی است. منظور از عوامل اجتماعی، علل محیطی و پیرامونی است که بر شکل زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. (فرزین‌راد، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷) وضعیت اجتماعی جوامع بر افزایش جرایم جنایی، سرقت‌های مسلحانه و بزهکاری خیابانی تأثیر مستقیم دارد. جامعه‌ای که ثبات و پایداری اجتماعی ندارد و بر اثر جنگ، اختلافات طبقاتی، وضع بد سکونت و... دچار هرج و مرج و بی‌نظمی باشد شرایط و بستر مساعدی برای ارتکاب بزه فراهم می‌کند و برعکس جامعه‌ای که ثبات و نظم اجتماعی دارد، می‌تواند به مرور زمان ریشه‌های بزهکاری و عوامل آن را در خود بخشکاند.

### ۳-۱-۱. دوست ناشایست

انسان به طور طبیعی نیازمند دوست و مونس است؛ زیرا موجودی اجتماعی است. در دوران نوجوانی و جوانی این نیاز فطری شدت می‌یابد. او همواره تلاش می‌کند دوستانی را که باب میل او هستند یافته و ساعاتی را با او بگذراند. پس از خانه و مدرسه، دوستان و نقش آنها در تأثیرگذاری بر شخصیت افراد و انحراف یا هدایت آنها بسیار چشمگیر است. در این دوره که با سن بلوغ هم‌زمان است به طور طبیعی از اتکای نوجوان به خانواده کاسته می‌شود و او درصدد یافتن تکیه‌گاه‌های دیگری است که مهمترین آنها گروه دوستان و همسالان است. قرآن کریم نیز به تأثیر دوست بد در شقاوت انسان اشاره کرده و می‌فرماید: «گنهکاران در روز قیامت آرزو می‌کنند که ای کاش با رفیق بد دوستی نمی‌کردند؛ زیرا او را عامل بدبختی خود می‌دانند؛» «لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلاً» (فرقان: ۲۸). پیامبر اکرم ﷺ درباره نقش و تأثیر دوست بر انسان می‌فرماید: «المرء علی الدین خلیله؛ هر انسانی بر شیوه و طریقه دوست و رفیق خود زندگی می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۹، ۸۳/۴). اطفال و نوجوانانی که مورد توجه والدین خود قرار نمی‌گیرند یا از سمت والدین طرد می‌شوند برای جبران کمبودهای عاطفی، روانی و کسب تأیید و حمایت بیشتر به سمت دوستان و همسالان خود کشیده می‌شوند. دوستی با افراد فاسد و بی‌بندوبار عامل مؤثری در بزهکاری اطفال و نوجوانان است. نوجوان رفتارهای خود را با الگوهای رفتاری دیگر دوستانش همانندسازی می‌کند و به شدت از آنها تأثیر می‌پذیرد و ممکن است با تحریک دوستان ناشایست دست به اعمال ضداجتماعی و خلاف بزند (علیوردی‌نیا، ۱۳۹۲).

### ۳-۱-۲. رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی

رسانه‌ها مهمترین ابزارهای امروزی برای کسب اطلاعات هستند که محیط پیرامونی انسان‌ها را دربرگرفته‌اند. زندگی در دنیای کنونی بدون استفاده از رسانه‌ها قابل تصور نیست. بنابراین، نمی‌توان نقش رسانه‌ها را در زندگی اجتماعی امروزی نادیده گرفت. رسانه‌ها تأثیرات و تغییرات مهمی در سیاست، تعلیم و تربیت، بازاریابی، اخبار، فرهنگ، زندگی اجتماعی و خانوادگی ایجاد



می‌کنند. در میان رسانه‌ها، تلویزیون، سینما، اینترنت، فضای مجازی و ماهواره بیشتر مورد استفاده عموم جامعه قرار گرفته و تأثیر فراوانی بر سبک زندگی افراد می‌گذارد. استفاده صحیح از این موارد در هدایت، تربیت، سازندگی و بالا بردن سطح آگاهی‌های اجتماعی اطفال و نوجوانان مؤثر است، اما اگر در خلاف مسیر مصلحت عمومی و آموزه‌های اسلامی استفاده شود باعث گمراهی، انحراف، فساد، آلودگی جامعه و به‌ویژه بزهکاری اطفال و نوجوانان می‌شود؛ زیرا کودکان در مرحله رشد و یادگیری هستند و بیش از بزرگسالان تحت تأثیر قرار می‌گیرند. بنابراین، اگر برنامه‌ها و فعالیت‌های رسانه برخلاف اخلاقیات و ارزش‌های ملی و مذهبی باشد باعث بزهکار شدن کودکان و نوجوانان می‌شود.

### ۳-۱-۳. فرهنگ جامعه

مجموعه عقاید، آداب و رسوم، ارزش‌ها و قوانین یک جامعه، فرهنگ آن جامعه را تشکیل می‌دهد. هرچه فرهنگ جامعه‌ای متعالی‌تر بوده و برابری و برادری در آن ریشه دوانده باشد فرزندان آنی که در آن جامعه رشد می‌کنند نیز بهتر و موفق‌تر پرورش می‌یابند. عکس این امر نیز صادق است؛ یعنی اگر فرهنگ جامعه‌ای در سطح پایین باشد و افراد جامعه برای خود و فرزندان‌شان احترام و شخصیت قائل نباشند و خودباوری، اعتماد به نفس و ارزش‌های نیکو نداشته باشند و یا ارزش‌های ناصحیح بر فرهنگ جامعه حاکم باشد احتمال بزهکاری کودکان و نوجوانان در آن جامعه افزایش می‌یابد.

### ۳-۲. عوامل اقتصادی

فقر عامل مؤثری در ایجاد انواع انحرافات و بزهکاری‌ها مانند سرقت و انحرافات جنسی به‌ویژه در نوجوانان و جوانان است. کمبود امکانات بهداشتی، خوراک، پوشاک و مسکن، عدم برطرف شدن نیازهای اشخاص را به‌دنبال داشته و موجب تحریک آنها به ارتکاب بزه‌های مختلف می‌شود. در چنین شرایطی حتی ممکن است برخی والدین از کودکان خود برای ارتکاب جرایمی مانند سرقت استفاده کنند و یا با وادار کردن فرزندان‌شان به تکدی‌گری آنها را وسیله‌ای برای امرار معاش قرار دهند. فقر در کشور افغانستان از دیرباز بزرگ‌ترین معضل این

کشور بوده است. بی‌ثباتی سیاسی، جنگ و شورش‌های پی‌درپی، دزدی منابع طبیعی این کشور توسط کشورهای استعمارگری مانند آمریکا، سیستم مالی و اداری فروپاشیده، از بین رفتن بانک‌های داخلی و... از عوامل مؤثر بر وضعیت اقتصادی و رفاه عمومی این کشور است. از خطرات جدی تهدیدکننده جامعه افغانستان گسترش روزافزون خانواده‌ها و کودکان بی‌بضاعت است که به بزهکاری آنها دامن می‌زند. این فاجعه عظیم ملی صرف‌نظر از مشکلات و مسائلی که در حال حاضر ایجاد می‌کند پیامدهای ناگوارتری در آینده‌ای نه‌چندان دور برای جامعه افغانستان در پی خواهد داشت.

### ۳-۳. عوامل سیاسی

عوامل و تحولات سیاسی جوامع تأثیر مستقیمی بر حیات فردی و اجتماعی افراد در آن جامعه دارد. عوامل سیاسی مانند جنگ، انقلاب، کودتا، رویکرد نامناسب نظام حاکم، وضع قوانین نامناسب، مهاجرت اجباری و آسیب‌های ناشی از آن مانند حاشیه‌نشینی، فقر و... تمام حوزه‌های زندگی افراد جامعه را دگرگون می‌کند. واضح است که سهم اطفال و نوجوانان در این میان چیزی جز گرفتار شدن در باندهای مجرمانه نیست. ممکن است سودجویان برای کسب درآمد مالی، اطفال و نوجوانان را به کارهایی مانند تکدی‌گری، سرقت، جیب‌بری و یا خرید و فروش مواد مخدر وادار کنند. کشوری که برنامه و ساختار سیاسی صحیح و مناسبی نداشته باشد، نمی‌تواند وقوع جرایم و بزهکاری را کنترل کند، بلکه فشارهای ناشی از این ناکارآمدی سیاسی تأثیر مستقیمی در افزایش آمار جرایم و بزهکاری دارد. نظام سیاسی افغانستان از این نظر وضعیتی ناخوشایند و ساختاری به‌شدت کهنه، فرسوده و ناکارآمد دارد. به دلیل دخالت قدرت‌های مستکبر در طول سال‌های متمادی، درگیری‌های داخلی، عدم اتحاد ایجاد شده، عقب‌ماندگی و آشفتگی در زمینه‌های مختلف جهات علمی و سیاسی است.





### ۳-۴. عوامل خانوادگی

خانواده نخستین و مهمترین نهاد اجتماعی است که برای رفع نیازمندی‌های حیاتی انسان و بقای جامعه ضرورت دارد. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اما هسته اصلی جامعه و پایه و مبنای هر اجتماع بزرگ است. افراد پس از تولد از افکار، عقاید و رفتار اعضای خانواده خود تأثیر می‌پذیرند. همان‌طور که خانواده متعالی نقش اصلی را در پرورش فرزندان موفق دارد خانواده‌ای با مشکلات اخلاقی، آثار سوئی را متوجه همه اعضایش می‌کند و بر اثر کمبودها و اختلافات خانوادگی کودک در معرض فساد و بزهکاری قرار می‌گیرد. (جهانی جناقرد، ۱۳۹۹، ص ۵۲۸) نفاق، ناسازگاری و مشاجره دائمی والدین و دیگر اعضای خانواده، رفتار خشونت‌آمیز با کودکان، روش تربیتی نادرست مانند تحقیر و تمسخر و مقایسه در ازبین بردن عزت نفس کودک و بزهکاری او تأثیر مستقیم دارد. طبیعی است فردی که عزت نفس بالایی دارد و برای خود احترام و ارزش قائل است به سادگی مرتکب جرم و تخلف نمی‌شود. والدینی که با کودکان خود مهربان نیستند و از روش‌های انضباطی بسیار سخت‌گیرانه یا بسیار بی‌بندوبار استفاده می‌کنند باعث ایجاد عقده‌های روانی و درنهایت سوق دادن کودک به سمت بزهکاری می‌شوند. انحراف اخلاقی، اعتیاد و یا ارتکاب جرم توسط والدین یا یکی از اعضای خانواده نیز می‌تواند زمینه‌ساز انحراف و بزهکاری کودکان و نوجوانان شود. در جامعه افغانستان با توجه به مشکلات مختلف در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، روابط خانوادگی با چالش‌ها و مشکلات زیادی روبه‌روست. مردسالاری یکی از این مشکلات است که فضای صمیمی، احترام متقابل، رضایت و اعتماد در خانواده را ازبین می‌برد. جنگ، فقر، آوارگی، نبود امنیت و ازدواج در سنین پایین و پیش از رسیدن به بلوغ عقلی و یا با اختلاف سنی زیاد باعث می‌شود که روابط بین همسران آن‌طور که شایسته است شکل نگرفته و توجه درست و کافی نسبت به تربیت فرزندان صورت نگیرد و این امر سبب بزهکاری آنها می‌شود.

### ۳-۵. عوامل روانی و وراثت

گاهی بزهکاری مربوط به عوامل ارثی، ژنتیک، انتقال ویژگی‌ها و خصلت‌های بد نیاکان و یا وضعیت دوران حاملگی و زایمان است. تغذیه و حالات روحی و روانی و رفتار مادر مانند اعمال نامشروع، استرس و افسردگی، مصرف دارو، بیماری‌های مختلف و یا مصرف الکل، مواد مخدر و... بر روی جنین تأثیر می‌گذارد. تحقیقات نشان می‌دهد که سستی و خماری ناشی از الکل در هنگام انعقاد نطفه موجب مسمومیت نطفه شده و آثار سوء آن از بدو طفولیت به شیوه‌های مختلف ظاهر می‌شود. زمینه جرم و بزهکاری در فرزندان نامشروع نسبت به سایرین بیشتر است. این امر ناشی از تأثیر وضعیت ناشایست والدین است. گاهی نیز ممکن است علت بزهکاری، اختلالات روانی در کودک و نوجوان باشد. مغز، مرکز ادراک هر فرد است و برای انجام هر عملی فرمان از مغز صادر می‌شود. بنابراین، اگر کوچک‌ترین خلل و نقصی در آن باشد کودک قدرت فهم و درک نتایج اعمال خوب و بد خود را از دست خواهد داد. کودکان و نوجوانانی که به اختلالات روانی مبتلا هستند با تأثیر از عوامل مختلف ممکن است مرتکب بزه‌هایی مانند سرقت، ضرب و جرح و جرایم جنسی شوند. نوجوانان بزهکار ویژگی‌های روحی هیجان‌خواهی، خطرپذیری و عدم آینده‌نگری دارند.

### ۴. نتیجه‌گیری

در تعیین سن طفل و نوجوان و تخفیف در مجازات آنها در نظام حقوقی کشورهای مختلف متفاوت است. در نظام حقوقی افغانستان، مسئولیت کیفری متوجه کودکان زیر دوازده سال نمی‌شود و راهکارهای تربیتی و اصلاحی در قانون جزا برای اصلاح این افراد تعیین شده است که در صورت اجرای صحیح می‌تواند سازنده باشد. نوجوانان بین دوازده تا شانزده سال و در مرحله بعد تا هجده سال نیز در صورت ارتکاب جرم، مجازات‌های خفیف‌تری دارند. عوامل گوناگون در ایجاد بزهکاری در اطفال و نوجوانان مؤثر است. در پژوهش حاضر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی و روانی بیان شده و تأثیر آنها بر ایجاد و افزایش بزهکاری در این گروه سنی بررسی شد.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم

۱. آبدالی، مهرداد (۱۳۷۴). حقوق کودک در کنوانسیون بین‌المللی و تطبیق آن با حقوق اسلام و ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲. پوپل، محمود (۱۳۹۹). مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان (مطابق کود جزای افغانستان و قانون مجازات ایران). مشهد: دانشگاه فردوسی.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۴. جهانی جناقرد، میلاد (۱۳۹۹). تأثیر عوامل اجتماعی و اقتصادی خانواده در بزهکاری اطفال و نوجوانان. نشریه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دوره اول، شماره دوم، ۵۱۳-۵۳۰.
۵. سجادی، سیدانور (۱۳۹۴). مسئولیت کیفری کودک در حقوق کیفری افغانستان. نشریه علمی-تخصصی گفتمان حقوق (جامعه‌المصطفی‌العالمیه مشهد)، ۳(۴)، ۳۵-۵.
۶. صدرتوحیدخانه، محمد (۲۰۰۹). رهنمود انستیتوت ماکس پلانک برای حقوق جزای عمومی افغانستان. کابل: انستیتوت حقوق مقایسوی عامه و حقوق بین‌الملل ماکس پلانک.
۷. علیوردی‌نیا، علی‌اکبر، و ستاره، سیمین (۱۳۹۲). بررسی نقش خانواده، مدرسه و گروه همسالان در بزهکاری دانش‌آموز. نشریه جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال ۴، شماره ۴، ۷۹، ۱۰۳-۱۰۴.
۸. فرزین‌راد، رؤیا (۱۳۸۶). تبیین حقوقی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان و نگرشی بر کارکرد پلیس ایران. نشریه دانش انتظامی، ۱(۹)، ۱۴۱-۱۵۶.
۹. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال افغانستان مصوب ۱۳۸۳.
۱۰. کد جزای افغانستان مصوب ۱۳۹۵.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی. تهران: انتشارات اسوه.
۱۲. گنجی، مزگان (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی کاربران و سرویس‌دهندگان فضای مجازی در حقوق ایران و افغانستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. تهران: دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع).
۱۳. محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی. تهران: انتشارات علم.